

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰

صفحات: ۴۱-۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۳۰

مقاله: پژوهشی

بررسی تأثیر عوامل گسترش فساد اداری بر شاخص های اقتصادی و آرایه راهکارهای مقابله ای

عبدالمجید راهپیمان* / حمید پیشگاه هادیان** / محمد علی خسروی*** / حسین تفضلی****

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین و شناخت تأثیر عوامل گسترش فساد اداری بر شاخص های اقتصادی و آرایه راهکارهای مقابله ای به رشته تحریر درآمده است. نتایج و یافته های این پژوهش که با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی انجام شده بیانگر این است که: اولاً، در بخش مهمترین عوامل موثر بر گسترش فساد می توان به محیط سیاسی و اقتصادی، عادات، آداب و رسوم، سنت و جمعیت شناسی، دین، فقدان دولت الکترونیک، دیوان سالاری و ساختار اداری و سیاسی ناکارآمد و مشارکت مدنی و آزادی رسانه ها اشاره نمود ثانیاً، در حوزه تأثیر فساد بر شاخص های اقتصادی می توان «تأثیر فساد بر مشاغل»، «تأثیر فساد بر سرمایه گذاری»، «تخصیص استعدادها» و «تأثیر فساد بر مالیات» برشمرد و ثالثاً، در بخش راهکارها نیز می توان به ترویج اخلاقیات در قالب فرهنگ عمومی جامعه، عمومی کردن فرهنگ مبارزه با فساد، تقویت سطح آگاهی عمومی، تقویت نگرش و باورهای دینی کارکنان و مدیران، قانون گرایی کارکنان و مدیران و نهادینه سازی فرهنگ نقد و نقادی اشاره نمود.

کلیدواژه ها:

فساد؛ عوامل موثر بر فساد؛ راهکارهای مقابله ای؛ فساد اداری، شاخص های اقتصادی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Rahpeima2017@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

hadianhadi33@gmail.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

moh.khosravi@iauctb.ac.ir

**** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. بیان مسأله

کلمه فساد از کلمه لاتین «Corruptus» گرفته شده است که به معنی «مفسد» و از نظر حقوقی، سوء استفاده از موقعیت قابل اعتماد در یکی از شاخه‌های قدرت (اجرایی، مقننه و قضایی) یا در سازمان‌های سیاسی یا دیگر سازمان‌ها به منظور دستیابی به منافع مادی که از نظر قانونی برای خود یا دیگران موجه نیست. مفهوم فساد در سطح بین‌المللی و ملی به طور گسترده مورد تحقیق قرار گرفته است. نهاد شفافیت بین‌المللی (۲۰۱۹)، فساد را به عنوان سوء استفاده از قدرت اختصاص داده شده برای منافع شخصی تعریف کرده است و فساد را به عنوان اساسی‌ترین چالش‌هایی که بر دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و نهادهای تجاری در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد، در نظر گرفته است. بانک جهانی فساد را مانع‌نهایی کاهش فقر، توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌داند. فساد به دلیل تأثیر سوء و ویژگی مخرب آن بر بافت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و رتبه بین‌المللی تهدیدی برای امنیت ملی است. تمایلات فساد عملکرد عادی دولت را مختل می‌کند زیرا به سیاست توزیع مجدد آن آسیب می‌رساند و حقوق مشروع شهروندان را نقض می‌کند. فساد باعث افزایش هزینه سرمایه‌گذاری شرکت و در نتیجه کاهش سطح سرمایه‌گذاری می‌شود (Kagire, 2019:16). از این رو می‌توان بیان داشت که فساد هم مخرب و هم تهدید زا می‌باشد که عوامل بسیاری در آن دخیل هستند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود ابتدا مهمترین عوامل موثر بر گسترش فساد بررسی شود و در گام دوم راهکارهای مناسب در جهت مقابله با آن برشمرده شود.

ایران از جمله کشورهای جهان است که همواره با فساد روبه‌رو بوده و به نوعی آسیب‌های فراوانی از جانب فساد دیده است. سوابق تاریخی، شواهد تجربی و اسناد و مدارک معتبر طی ۴۰ سال گذشته تا کنون مبارزه با فساد اداری و مدیریتی کشور گواهی داده است که کسانی که بیشتر دچار فساد شده‌اند از قشری نبودند که نیاز مالی داشته باشند و اغلب هم از سطوح میانی و عالی مدیریتی کشور با حقوق و مزایای مکفی بوده‌اند ولی فساد اتفاق افتاده است. بنابراین کشور فاقد الگوی خوب در نظام اداری و مدیریتی کشور بوده است و در فقدان آن نمی‌توان انتظار صداقت و درستی بود. به بیان دیگر؛ در فسادهای جزئی ریشه اقتصادی دیده می‌شود. اما فسادهای بزرگ به مولفه ساختار جامعه اداری و مدیریتی کشور باز می‌گردد. و حفره‌های قانونی و شکاف‌ها در این جامعه مذکور فسادزا بوده است. بنابراین بررسی تأثیر عوامل

گسترش فساد اداری بر شاخص های اقتصادی و ارائه راهکارهای مقابله ای امری است که پژوهش کیفی حاضر درصدد تحقق آن می باشد.

۲. مبانی و مفاهیم نظری پژوهش

۲-۱. فساد اداری: کلمه فساد از ریشه فرانسوی (Corruption) و ریشه لاتینی (Rumpere) به معنای «شکستن» یا «نقض کردن» گرفته شده است. آن چه که شکسته یا نقض می شود می تواند یک «شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری» باشد. در زبان فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: «تباهی»، «ستم»، «مال کسی را گرفتن»، «گزند»، «زیان»، «ظلم و ستم»، «شرارت» و «بدکاری» ذکر شده است (افضلی، ۱۳۹۰). از این رو فساد در لغت به معنای تباه شدن، نابود شدن، فتنه، آشوب، از بین رفتن، زیان، کینه، دشمنی، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری، تباهی، فسق و فجور، بیماری، پوسیدگی و به ستم گرفتن مال کسی به کار رفته است. فساد کردن نیز به معنی فتنه بر پا کردن، یاغی شدن، لواط کردن، نافرمانی و گناه کردن به کار می رود (معین، ۱۳۷۹: ۲۵۴۵). در لغت عرب، فساد از ریشه «فَسَدَ» به معنی تباهی، اخلال و منع از رسیدن به یک هدف مطرح و جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است؛ بطوریکه نقیض صلاح بوده و به معنای بطلان، اضمحلال و تغییر نیز استعمال شده است (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۱۵).

فساد در زبان انگلیسی با عنوان «Corruption» و ریشه ی لاتینی «Rumpere» مطرح می شود که به معنای شکستن و نقض کردن است، و به عبارت دیگر منظور این است که چیزی شکسته یا نقض شود که این چیز می تواند یک هنجار اخلاقی، قانونی (قوانین و مقررات) و یا حتی قواعد و مقررات اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده ای که مجموعه ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد (تانزی، ۱۳۷۸: ۱۸۲). در فرهنگ وبستر نیز، فساد بصورت پاداش نامشروع برای وارد کردن فرد به تخلف از وظیفه، تعریف شده است. در نتیجه فساد عبارت است از خروج هر چیز از اعتدال، چه این خارج شدن اندک باشد و چه زیاد. در تعریف کلاسیک، دبل فساد را «فقدان ظرفیت وفاداری» می داند. کولین نای نیز معتقد است، فساد عبارتست از تخطی یک مقام دولتی از وظایف رسمی برای رسیدن به منافع و رفاه خود یا اقوام نزدیک یا ارتقای موقعیت (Advig & Etal, 2001: 6). بنابراین و بر اساس ویژگی های فوق می توان بیان داشت که فساد به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره

دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی (خواه سیاستمداران و خواه مستخدمان کشور) است که در آن به طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آن ها، خود و نزدیکانشان را غنی می سازند (دانایی فرد، ۱۳۸۷).

به طور کلی، از تعاریف فوق می توان دریافت که فساد پدیده‌ی جدیدی نبوده و در هر جامعه نسبی است و مختص منطقه‌ی خاصی از جهان هم نیست بطوریکه با نظام ارزشی هر جامعه قابل ارزیابی است. در حالی که فردی با عملکرد خاص، ممکن است در یک جامعه فاسد تلقی شود، در جامعه‌ی دیگر چنین تلقی وجود ندارد. باید به این نکته اذعان نمود که فساد یک پدیده‌ی چند وجهی است و در بسترهای مختلف، به صورت عملکردهای مختلف ظاهر می شود. فساد می تواند از یک پرداخت مغایر با قانون شروع شود و تا عملکرد نادرست نظام اقتصادی و سیاسی پیشروی کند. در حالت کلی فساد به عنوان رابطه‌ی خاص جامعه و دولت تعریف می شود و معمولاً طی تعامل بین دولت و اقتصاد بازار و بیشتر در بخش دولتی نمود پیدا می کند. همچنین نباید این نکته را فراموش کرد که فساد فقط مربوط به بخش دولتی نیست و می تواند در بخش خصوصی نیز اتفاق بیافتد ولی از آنجا که فساد در بخش عمومی مشکلی اساسی تر از فساد در بخش خصوصی است و همچنین کنترل فساد در بخش عمومی، پیش نیاز کنترل فساد در بخش خصوصی است، لذا در تعاریف معمولاً بر روی فساد در بخش دولتی تأکید شده است. در هر صورت، آنچه مسلم است فساد به عنوان پدیده‌ای برخاسته از تلاقی منافع بخش‌های عمومی و خصوصی با یکدیگر، حاصل رفتار منفعت‌جویانه کسانی است که نمایندگی بخش عمومی را بر عهده دارند یا از قدرت و اختیارات دولتی برخوردارند و از آن برای مقاصد شخصی، خانوادگی، یا گروهی اعم از انگیزه‌های کسب فرصت‌های سیاسی یا اقتصادی سوء استفاده می کنند.

فساد عمدتاً در دو سطح قابل اشاره است:

الف) سطح اول، مفاسدی است که عمدتاً با نخبگان سیاسی سر و کار دارد و کارمندان عالی رتبه و مقامات ارشد دولت‌ها را مشغول خود می سازد.

ب) سطح دوم، میان کارمندان رده پایینی است که در این نوع مفاسد، رشوه‌های عمومی و کارسازی‌های غیرقانونی با بخش خصوصی و جامعه صورت می گیرد.

بررسی‌های تجربی نشان می دهد که فساد اداری در رده‌های میانی و پایین نظام اداری تا حدود زیادی به میزان فساد در بین سیاستمداران و کارمندان عالی رتبه بستگی دارد. همچنین در

تأثیر عوامل گسترش فساد اداری بر شاخص های اقتصادی...

یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده‌های میانی که مرتکب فساد اداری می‌شوند، کمتر نگران کشف جرم هستند چون غالباً میان مسؤولان رده بالا و مدیران میانی نوعی تبانی برای چشم‌پوشی متقابل وجود دارد (مردانی، ۱۳۷۵: ۶۹). فساد در دستگاه‌های دولتی را می‌توان با مصادیقی مثل پارتی بازی، بی‌عدالتی، باج خواهی، ایجاد نارضایتی ارباب رجوع شناخت و حتی آن را به تمام اشکال گوناگون اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی تسری داد و لذا زمانی که یک مقام اداری در اتخاذ تصمیمات اداری، تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط خانوادگی و دلبستگی‌های اجتماعی قرار می‌گیرد، مرتکب فساد اداری شده است (الوانی، ۱۳۷۹: ۴۵).

۲-۲. سلامت سازمانی: سلامت سازمانی عبارت است از توانایی سازمان در حفظ بقا و سازش با محیط و بهبود این توانا یی ها. برخی سلامت سازمانی را با بهداشت روانی در محیط کار مترادف دانسته و سازمان سالم را سازمانی می‌دانند که میزان افسردگی، ناامیدی، نارضایتی، کم‌حرکی و فشار روانی کارکنان را به حداقل ممکن برساند. نیوال (۱۹۹۵) سلامت سازمانی را یک موضوع کلی می‌داند که با سه مجموعه فشار روانی، بهداشت روانی و اخلاق در سازمان‌ها در ارتباط است. برخی از صاحب نظران علوم رفتاری و مدیریت مانند وارن بنیس، سلامت سازمانی را معیار عملکرد سازمانی شمرده‌اند. شبیه اندام سالم، سازمان سالم، تطبیق پذیر و در حال رشد است. عده‌ای نیز سلامت سازمانی را وضعیتی می‌دانند که کلیه عوامل سازمان قابلیت تأمین اهداف سازمان را به طور مطلوب داشته باشند و بتوانند انحراف از هنجارهای اداری و قانونی و موانع اهداف سازمانی را در اسرع وقت شناسایی و تدابیر لازم و به‌هنگام را برای رفع آن‌ها لحاظ نمایند. برخی نیز سلامت سازمانی را به معنای تبعیت از هنجارهای اخلاقی و قانونی در عملکرد سازمانی و شغلی دانسته‌اند، که در مقابل آن، فساد اداری است و به معنای هنجار شکنی و تخطی از هنجارهای اخلاقی و قانونی و سوء استفاده از موقعیت و جایگاه شغلی و اداری برای مقاصد غیر از خاستگاه اصلی و قانونی برای منفعت شخصی یا گروهی است. (شیخی، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۱)

۲-۳. رویکرد رانت‌جویی: بنابر این رویکرد، امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد و قوانین و مقرراتی که در اثر تصمیمات فردی زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می‌کند، موجب ارتکاب اعمال فسادآلود می‌شود.

۲-۴. **رویکرد کارفرما- غیر کارگزار:** براساس این رویکرد زمانی که در یک تقسیم‌بندی غلط و فسادآمیز، انجام کارهای کلان و همزمان با آن کنترل آن به یکسری افراد خاص واگذار می‌شود، کارگزاری که به عنوان مجریان پروژه‌های مصوب گمارده می‌شوند خود امکان تفسیر پیرامون برنامه‌ها و پروژه‌های مصوب را در دست‌دارند و این کارگزاران معمولاً بر خلاف اهداف کارفرما (سیاستگذاران دولتی) منافع خود را پیگیری می‌کنند و به این ترتیب زمینه را برای فساد مهیا می‌کنند.

۲-۵. **رویکرد حامی- پیرو:** بنابراین رویکرد، ساختار نامناسب اقتصادی، باندبازی در ساخت سیاسی، نوجه‌گرایی در انتصاب‌ها و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری با پشتوانه حامیان قدرتمند، زمینه‌های فساد را فراهم می‌سازد (ریعی، ۱۳۸۳، ۲۸-۲۱).

۳. پیشینه پژوهش

به طور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به فساد توجه داشته‌اند. خندان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان: «فساد سیاسی و اداری: تأثیرات متقابل و نقش عوامل اجتماعی» نگارنده در مقاله خود از دو نوع فساد یکی پرداخت رشوه برای دور زدن قانون (فساد اداری) و دیگری نفوذ به حاکمیت برای تغییر قانون (فساد سیاسی) را نام می‌برد. با بررسی هر دو نوع فساد در ۵۷ کشور نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که یک رابطه مکمل بین فساد سیاسی و اداری وجود دارد. البته این ارتباط متقارن نیست و تاثیر فساد اداری بیشتر است. ملک محمدی و حق شناس (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «سیاستگذاری مبارزه با فساد اداری در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه تطبیقی ترکیه و پاکستان» بر اساس نتایج به دست آمده در حالی که ترکیه سعی کرده است با تقویت بخش خصوصی و نهادینه کردن فعالیت نهادهای جامعه مدنی و احزاب سیاسی رابطه نسبتاً مناسبی بین سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی برقرار کند که نتیجه آن کنترل فساد اداری بوده است. در جمهوری اسلامی ایران و پاکستان به دلایل مختلف این ارتباط به شکل مناسب برقرار نشده است. دایسوک ماروئیچی، ماساتو آبه (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «فساد و محیط کسب و کار در ویتنام: پیامدهای یک مطالعه تجربی» به بررسی تأثیر فساد بر محیط تجاری در ویتنام می‌پردازد. نظرسنجی‌های انجام شده از شرکت‌ها در ویتنام نشان می‌دهد که فساد به عنوان مهمترین مانع تجاری برای

فعالیت آن ها تلقی می شود. همچنین مشخص شد که فساد با رضایت کلی از محیط کسب و کار در ویتنام رابطه منفی دارد، که این فرضیه را تأیید می کند که فساد بر فعالیت های تجاری شرکت ها تأثیر می گذارد.

۴. فساد اداری و سطوح آن

کولین نای معتقد است، فساد عبارتست از تخطی یک مقام دولتی از وظایف رسمی برای رسیدن به منافع و رفاه خود یا اقوام نزدیک یا ارتقای موقعیت (Advig & Etal, 2001: 6). بنابراین و بر اساس ویژگی های فوق می توان بیان داشت که فساد به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی (خواه سیاستمداران و خواه مستخدمان کشور) است که در آن به طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آن ها، خود و نزدیکانشان را غنی می سازند (دانایی فرد، ۱۳۸۷).

به طور کلی، از تعاریف فوق می توان دریافت که فساد پدیده ی جدیدی نبوده و در هر جامعه نسبی است و مختص منطقه ی خاصی از جهان هم نیست بطوریکه با نظام ارزشی هر جامعه قابل ارزیابی است. در حالی که فردی با عملکرد خاص، ممکن است در یک جامعه فاسد تلقی شود، در جامعه ی دیگر چنین تلقی وجود ندارد.

فساد در دستگاه های دولتی را می توان با مصادیقی مثل پارتی بازی، بی عدالتی، باج خواهی، ایجاد نارضایتی ارباب رجوع شناخت و حتی آن را به تمام اشکال گوناگون اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی تسری داد و لذا زمانی که یک مقام اداری در اتخاذ تصمیمات اداری، تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط خانوادگی و دلبستگی های اجتماعی قرار می گیرد، مرتکب فساد اداری شده است. از یک بعد می توان فساد را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) فساد اقتصادی (اعمال و رفتاری غیرقانونی که باعث ازدیاد ثروت و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه می گردد و اختلال در نظم اقتصادی را در پی دارد).

ب) فساد اداری (شامل کم کاری، کاغذبازی، اهمال، دیوان سالاری، سوءاستفاده از قدرت و ارتشاء و اختلاس).

ج) فساد فرهنگی (هر فعل یا ترک فعل که باعث مخدوش کردن یا ایراد صدمه به باورها و ارزش‌ها و اعتقادات جامعه گردد) قابل تقسیم است. علاوه بر آن در یک تقسیم بندی دیگر می توان فساد را به سه دسته دسته بندی کرد (خضری، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. عوامل موثر بر گسترش فساد اداری

اگرچه فساد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما می توان برخی از اصلی ترین عوامل محرک اصلی ایجاد کننده آن را شناسایی کرد. از فاسدترین کشورها همه آنها کشورهای در حال توسعه یا کشورهای در حال گذار هستند (Ang, 2019: 17). که ویژگی‌های آن‌ها بصورت زیر می‌باشد.

- اکثر این کشورها دارای اقتصاد بسته هستند؛

- تأثیر دین در این کشورها قابل مشاهده است؛

- آزادی کم رسانه‌ها؛

- سطح نسبتاً پایین تحصیلات.

صرف نظر از موارد فوق، فساد نمی‌تواند بدون ابهام ارزیابی شود، زیرا هرگز تنها یک پدیده وجود ندارد که مسؤول وقوع و توسعه آن باشد. فساد همیشه از مجموعه‌ای از عوامل متعدد و مرتبط به هم ناشی می‌شود که می‌تواند تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر داشته باشد. از جمله عواملی که بیشتر بر توسعه فساد تأثیر می‌گذارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محیط سیاسی و اقتصادی، اخلاق و قوانین حرفه ای، و نیز عوامل قوم شناختی صرف، مانند آداب و رسوم، عادات و سنت‌ها.

۵-۱-۱. محیط سیاسی و اقتصادی: پدیده فساد به شدت تحت تأثیر محیط سیاسی و اقتصادی است. هرچه فعالیت اقتصادی در کشور بیشتر تنظیم و محدود شود، اقتدار و قدرت مقامات در تصمیم گیری بیشتر و احتمال فساد بیشتر می‌شود، زیرا افراد برای جلوگیری از محدودیت‌ها مایل به پرداخت یا ارائه پرداخت هستند.

میزان کارآیی مدیریت دولتی تعیین می‌کند که فساد تا چه حد می تواند در خاک حاصلخیز فساد جوانه بزند. زیرا مقررات غیرموثر و نامشخص به حداقل دو سطح مختلف به افزایش سطح فساد کمک می‌کند:

۱. انحصار قدرت ایجاد شده مصنوعی که کارکنان دولت را قادر به دریافت رشوه می کند، بر اساس موقعیت برتر آن ها که در سیستم تعبیه شده است.

۲. از سوی دیگر، مقررات غیر موثر و نامشخص باعث فساد می شود و بنابراین اشخاص حقیقی را تشویق به پرداخت رشوه می کند تا روند بروکراتیک را تسریع کند. فساد نیز به شدت تحت تأثیر حقوق پایین کارکنان ادارات دولتی (مقامات دولتی) است، بنابراین آن ها سعی می کنند با دریافت رشوه وضعیت مالی خود را بهبود بخشند، و در نتیجه، وضعیت اجتماعی- اقتصادی مقامات دولتی نیز بر پدیده فساد تأثیر می گذارد (Sumah, 2018:17).

فساد به این دلیل ایجاد می شود که نهادها و دولت دیگر نمی توانند فساد را به طور موثر کنترل کنند، زیرا این مشکل به ویژه در کشورهای در حال توسعه، جایی که آن ها درآمد مالیاتی کافی برای پاداش مناسب ندارند، وجود دارد. با این حال، دستمزد پایین تنها عامل فساد نیست. وضعیت ضعیف مدیریت دولتی، که نتیجه «شلوغی» زیاد مقامات سیاسی است، و به همین دلیل منافع شخصی معمولاً بر استانداردهای حرفه ای غلبه دارد، به شدت بر افزایش فساد تأثیر می گذارد (Nikolous, 2020:71). بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی دارای ارزش های اخلاقی بالاتری است. سطح حقوق کارکنان دولت بر دریافت رشوه تأثیر می گذارد (هرچه این میزان بیشتر باشد، احتمال اینکه فرد فاسد عمل کند کمتر است).

متأسفانه اقتصاد تا حد زیادی به سیاست وابسته است. از گزینه های مختلف برای از بین بردن رقابت استفاده می شود و رشوه تنها یکی از سلاح های احتمالی در مبارزه برای به دست آوردن شغل است. در عین حال، گاهی اوقات این ذهنیت در اقتصاد نیز وجود دارد که هزینه رشوه تنها یک هزینه تجاری است و بخشی جدایی ناپذیر از قرارداد محسوب می شود، بنابراین اگر رشوه را متوقف شود، دیگر رقبا این کار را می کنند.

اگر رأس سیاست (دولت، احزاب و سیاستمداران برجسته) فاسد باشند، فساد در همه سطوح خود را نشان می دهد، و این شر در بین مردم عادی گسترش می یابد، زیرا هیچ کس به نهادها یا حاکمیت قانون اعتماد ندارد. جانستون برای حل این مشکل به دو نوع تعادل اشاره می کند - تعادل بین باز بودن و خودمختاری نهادها و نخبگان و تعادل بین قدرت سیاسی و اقتصادی و فرصت های همکاری. در حالت ایده آل، موسسات باید در برابر تأثیرات و بازخوردهای منابع مختلف باز باشند، اما در عین حال به اندازه کافی مستقل باشند تا بتوانند به طور موثر کار خود را انجام دهند. جایی که باز بودن و استقلال نهادها در تعادل هستند، مقامات در دسترس

هستند، بنابراین فساد نسبتاً کم است. اما در جایی که قدرت رسمی نهادینه شده است، بیش از حد در معرض نفوذ خصوصی قرار دارد و استقلال مقامات در بهره برداری بیش از حد از قدرت آن‌ها منعکس شده است. آن‌ها می‌توانند هرطور که دلشان می‌خواهد تصمیم بگیرند بنابراین احتمال فساد شدید زیاد است.

۲-۱-۵. **عادات، آداب و رسوم، سنت و جمعیت شناسی:** کشورهای مختلف نگرش‌های متفاوتی نسبت به فساد دارند. تنها در اروپا، ما می‌توانیم دو حالت افراطی پیدا کنیم. از شمال کاملاً فاقد فساد تا جنوب مستعد فساد، جایی که فساد یک پدیده تقریباً عادی و از نظر اجتماعی قابل قبول است. یا تفاوت بین کشورهایی با گذشته دموکراتیک که به طور سنتی فساد را تحت تعقیب قرار می‌دهند و کشورهای سوسیالیستی سابق، جایی که فساد در دستگاه‌های دولتی بخشی از سنت آن‌ها است. آداب و رسوم مختلف نیز وجود دارد به طور مثال در برخی موارد، «تشکر» به صورت هدیه برای خدمات در قالب دستمزد پرداخت شده به افراد است که بیانی مودبانه بخود گرفته است.

برخی از انواع فساد همچنین مربوط به یک نوع غیر رسمی از امنیت اجتماعی است، جایی که خانواده یا جامعه نزدیک از اعضای خود مراقبت می‌کنند. چنین شکل‌هایی از امنیت اجتماعی غیررسمی در کشورهای کمتر توسعه یافته، جایی که هیچگونه قانون در مورد امنیت اجتماعی رسمی وجود ندارد و در کشورهای اروپای جنوبی که هنوز نفوذ خانواده وسیعتر (پدرسالار) هنوز بسیار قوی است این کشورها به دلیل تبعیض، دوست داشتن و حمایت شناخته می‌شوند، زیرا خانواده و جامعه وسیع تر آن‌ها امنیت اجتماعی را تأمین می‌کنند. خانواده یا جامعه از اعضای خود مراقبت می‌کند، که در عوض باید وفادار بوده و منافعی را که از آن دریافت می‌کنند نیز جبران کنند. در مورد دین نیز همین امر صادق است به طور مثال در اروپا در حالی که بخش جنوبی، عمدتاً کاتولیک اروپا، بسیار سازمان یافته و سلسله مراتبی از اروپا، فرقه خانواده (همچنین جامعه مشترک و متعدد) و مسؤولیت‌های متعدد را تشویق می‌کند، قسمت شمالی، عمدتاً پروتستان، بر فردگرایی و مسؤولیت فردی تأکید می‌کند (که به معنای اشکال کمتری از فساد است). فساد همچنین در کشورهایی که اسلام و ارتدوکس دین اصلی آن‌ها است، رواج بیشتری دارد. بنابراین تأثیر دین غالب در کشورها مهم است: (Dominik & Christina, 2017)

۳-۱-۵. دین: به لحاظ تئوری، احتمال دارد که دین بر سطوح فساد تأثیرگذار باشد. زیرا دین می‌تواند نگرش‌های فرهنگی درباره سلسله‌مراتب اجتماعی و مشخصاً بایدها یا نبایدها برای زیر سؤال بردن افرادی که قدرت را در اختیار دارند را شکل دهد. برخی از ادیان خاص، مانند کاتولیسیسم و اسلام، بیشتر اوقات از دولت‌ها جدایی‌ناپذیر هستند، و بدین ترتیب احتمال بیشتری وجود دارد تا بر سطوح فساد تأثیرگذار باشند. شواهد تجربی ابتدایی برای این استدلال نشان می‌داد کشورهایایی که پیشینه مذهبی پروتستان داشتند، دارای سطوح پایین‌تری از فساد بودند. یکی دیگر از مقالات، بعد از توجیه نمودن اثر اقتصاد، مشخص ساخت که مسیحیت اصلاحی (یعنی، انگلیکن «کلیسای انگلیس» و پروتستان) و آیین قبیل‌های سطوح فساد را کاهش می‌دهند، در حالی که کاتولیسیسم و اسلام سطوح فساد را افزایش می‌دهند و بدین ترتیب وجود چنین پیوندی را تأیید کرد (Paldam, 2001: 383). یافته‌های مطالعه بعدی که با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۲۰۷ کشور انجام شد، حاکی از این بود که غلبه مسیحیت ارتدوکس بر یک کشور در سال ۱۹۰۰ با سطوح بالاتری از فساد فعلی آن کشور ارتباط داشته است، در حالی که سلطه پروتستان‌یسم در سال ۱۹۰۰ با سطوح پایین‌تر فساد فعلی مرتبط است (Orman, W.H. and Gwin, 2013:758).

۴-۱-۵. فقدان دولت الکترونیک: به لحاظ تئوری، دسترسی به اینترنت و وجود یک دولت الکترونیک باید سطوح فساد را کاهش دهد. دولت الکترونیک امکان انجام آنلاین تراکنش‌ها برای مجوزها یا درخواست‌های فردی را میسر می‌سازد و بدین ترتیب کارآمدی، شفافیت و حساب‌دهی را افزایش می‌دهد، که همگی آن‌ها اساساً موجب کاهش فساد می‌گردد. یکی از مطالعات به شواهدی دست یافت که پیوند بین دولت الکترونیک و کاهش فساد را با استفاده از داده‌های پانلی ۱۴۹ کشور در دو بازه زمانی مشاهده، یعنی سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶ تأیید می‌کند. مطالعه تجربی بعدی نیز به نتیجه یکسانی دست یافت و علیت یک‌طرفه بین دولت الکترونیک و کاهش فساد را مشخص ساخت (Elbahnasawy, 2013: 114-126).

۵-۱-۵. دیوان‌سالاری و ساختار اداری و سیاسی ناکارآمد: تعداد نظریه‌های عمده‌ای که بیان می‌دارند سطوح بالاتر ناکارآمدی سبب افزایش سطوح فساد می‌شود، اندک است. اولاً، همان‌گونه که تانزی اشاره داشت «وجود مقررات و مجوزها نوعی قدرت انحصاری را در اختیار مسؤولینی که باید اجازه انجام فعالیت‌ها را داده یا آن‌ها را بررسی کنند، قرار می‌دهد». بدین ترتیب، هرچه مقررات بیشتری وجود داشته باشد، تعداد تعاملات با اعضای حوزه خصوصی

بیشتر خواهد بود و در نتیجه، احتمال این که یکی از اعضا به فعالیت‌های فسادآمیز مبادرت ورزد نیز افزایش خواهد یافت. همچنین تانزی اشاره می‌کند که در یک دیوان‌سالاری ناکارآمد، معمولاً مقررات شفافیت کمتری دارند (که سبب کاهش یافتن پاسخگویی خواهد شد) و این که مجوزها نیز معمولاً توسط افراد خاص اعطا می‌شوند (که سبب کاهش یافتن رقابت می‌گردد) که هر دوی این عوامل نمایانگر سطوح بالاتر فساد است. کافمان و وی (Kaufmann & Shang, 1999: 1-19) نیز در پژوهش سال ۱۹۹۹ خویش عمدتاً با استفاده از داده‌های سال ۱۹۹۷ به شواهد تجربی دست یافتند که همین موضوع را تأیید می‌کند. شواهد تجربی بعدی نیز پشتیبان شواهد قبلی بوده است، به گونه‌ای که یافته‌های حاصل از کاربرد داده‌های متفاوت نشان می‌دهد «دخالتهای دولت در اقتصاد، یعنی در حوزه نظارتی، مروج فساد است» (Goel, Rajeev, Nelson, Michael 2010: 447).

۵-۱-۶. مشارکت مدنی / آزادی رسانه‌ها: از دیدگاه نظری، گفته شده است که آزادی رسانه‌ها در گسترش هنجارهای ضدفساد و همچنین افزایش هزینه اجتماعی بالقوه در اثر شرمساری عمومی به دلیل رفتارهای فسادآمیز، نقش آفرین است (Daniel 2005: 90). همچنین، مشارکت مدنی، به شکل مردم‌سالاری، می‌تواند با فساد مبارزه کند، زیرا انتخابات منظم مردم را قادر خواهد ساخت تا سیاستمداران فاسد را برکنار کنند. مطالعات تجربی پیشین با تأیید این فرضیه بیان داشته‌اند که تجربه طولانی‌مدت مردم‌سالاری یک متغیر پیشگو برای فساد کمتر بوده است.

۵-۲. تأثیر فساد بر شاخص‌های اقتصاد

فساد در ابعاد مختلف شاخص‌های اقتصادی را متأثر از خود می‌سازد از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۵-۲-۱. فساد باعث افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های عمومی (به هزینه سرمایه‌گذاری خصوصی) می‌شود، زیرا گزینه‌های زیادی وجود دارد که امکان دستکاری هزینه‌های عمومی را فراهم می‌کند و توسط مقامات عالی رتبه انجام می‌شود تا بخشی از بودجه را برای خود بگیرند (این بدان معناست که هزینه‌های عمومی دولت بیشتر است و یا بودجه زیاد فرصت‌های بیشتری را برای فساد فراهم می‌کند).

۵-۲-۲. فساد ترکیب مخارج عمومی را از مخارج لازم برای عملکرد اولیه و نگهداری به هزینه تجهیزات جدید هدایت می‌کند.

_____ تأثیر عوامل گسترش فساد اداری بر شاخص های اقتصادی...

۵-۲-۳. فساد تمایل به ترک ترکیب مخارج عمومی از دارایی های ثابت ضروری برای بهداشت و آموزش دارد ، زیرا شانس کمتری برای دریافت کمیسیون نسبت به سایر پروژه های شاید غیر ضروری وجود دارد.

۵-۲-۴. فساد اثر سرمایه گذاری های عمومی و زیرساخت های کشور را کاهش می دهد.

۵-۲-۵. فساد می تواند با به خطر انداختن توانایی دولت در جمع آوری مالیات و عوارض ، درآمدهای مالیاتی را کاهش دهد ، اگرچه تأثیر خالص بستگی به نحوه انتخاب مالیات اسمی و سایر بارهای نظارتی توسط مقامات در معرض فساد دارد (Ang, 2019: 15).

۵-۳. تأثیر فساد بر اقتصاد

۵-۳-۱. از طریق تأثیر فساد بر مشاغل: تأثیر فساد بر مشاغل تا حد زیادی به اندازه شرکت بستگی دارد. شرکت های بزرگ در محیطی مستعد فساد بهتر محافظت می شوند، آنها به راحتی از مالیات اجتناب می کنند و اندازه آن ها را از فسادهای کوچک محافظت می کند، در حالی که اغلب از لحاظ سیاسی نیز محافظت می شوند، به همین دلیل بقای شرکت های کوچک (به ویژه شرکت های نوپا) و شرکت های متوسط، صرف نظر از اهمیت آنها برای رشد اقتصاد و توسعه، بسیار دشوارتر از بقای شرکت های بزرگ است.

۵-۳-۲. از طریق تأثیر فساد بر سرمایه گذاری: فساد (الف) کل سرمایه گذاری ها، (ب) اندازه و شکل سرمایه گذاری سرمایه گذاران مستقیم خارجی، (ج) اندازه سرمایه گذاری های عمومی و (د) کیفیت تصمیمات سرمایه گذاری و پروژه های سرمایه گذاری.

۵-۳-۳. از طریق تأثیر فساد بر تخصیص استعدادها: به طور غیر مستقیم، فساد از طریق تخصیص استعدادها بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می گذارد، زیرا محصلان با استعداد و آینده نگر به دلیل تأثیر محیط و وضعیت کشور رانده می شوند. برای مثال، تحصیل در رشته حقوق به جای مهندسی، که به ارزش کشور می افزاید.

۵-۳-۴. از طریق تأثیر فساد بر مخارج عمومی: فساد تأثیر منفی بر مخارج عمومی دارد و تأثیر ویژه ای بر آموزش و سلامت دارد. همچنین نشانه هایی از همبستگی بین فساد و هزینه های نظامی وجود دارد، به این معنی که سطح بالای فساد به دلیل هزینه های بالای نظامی، رشد اقتصادی را کاهش می دهد.

۵-۳-۵. از طریق تأثیر فساد بر مالیات: به دلیل فساد مالیاتی کمتر از مالیات دیگر وضع می شود، زیرا برخی از مالیات ها به جیب مأموران مالیاتی فاسد می رسد. همچنین در کشورهای

فاسد، مالیات های گزینشی و مالیات های مترقی متعدد برای تخفیف مالیاتی وجود دارد. به طور خلاصه، پول بسیار کمتر از آن چیزی است که کشور می تواند داشته باشد، و بنابراین فساد، از طریق کسری مالی کشور، بر رشد اقتصادی نیز تأثیر می گذارد. و یافته ها را در مورد تأثیر منفی (غیر مستقیم و مستقیم) فساد بر رشد اقتصادی به پایان برسانید. در مورد تأثیرات فساد بر اندازه و ترکیب سرمایه گذاری ها می توان گفت که کشورهای فاسد برای سرمایه گذاران جذابیت کمتری دارند و اگر سرمایه گذاری را انتخاب کنند، به دلیل بوروکراسی غیر شفاف، اغلب با سرمایه گذاری مشترک وارد بازار می شوند، زیرا معمولاً مسائل کشور خود را بهتر درک کرده یا کنترل می کنند. شریک محلی همچنین می تواند در اخذ مجوزها و اجازه های محلی به شرکت های خارجی کمک کند یا در غیر این صورت می تواند با مسرهای پربیچ و خم اداری با هزینه کمتری مذاکره کند. عموماً سرمایه گذاران آمریکایی (به عنوان سرمایه گذاران) به سرمایه گذاری مشترک در کشورهای فاسد تمایل دارند. با این حال، حتی سرمایه گذاران آن کشورهای اروپایی، در میان بالاترین رتبه بندی در CPI قرار دارند نیز با شرایط محلی سازگار می شوند (Sumah, 2017: 257).

۶. راهکارهای مقابله با فساد در جامعه

۶-۱. **ترویج اخلاقیات در قالب فرهنگ عمومی جامعه:** زکوس (۲۰۰۴) معتقد است که اخلاقیات مانع اصلی در برابر فساد است زیرا اخلاقیات در پی بیشینه سازی ارزش هاست، در حالی که فساد در دراز مدت به کمینه سازی ارزش ها منجر می شود البته هنجارهای اخلاقی در حال تغییر هستند و از فرهنگ، فناوری، و مذهب تأثیر می پذیرند. به سخن دیگر، سطح استانداردی از اخلاقیات در بخش های مختلف زندگی اجتماعی وجود ندارد؛ اما جهت گیری اصلی هنجارهای اخلاقی در نقطه مقابل فساد قرار می گیرد. مودودی در مقاله خود تحت عنوان «تحلیلی جامعه شناختی از علل و چگونگی فساد اداری» در ادامه بیان علل فساد می گوید: عامل مؤثر دیگر در افزایش فساد اداری «فرهنگ عمومی» جامعه است. در جامعه ای که مردم آن بر وجدان کاری تأکید دارند، رعایت حق و نوبت را محترم می شمارند، قانون را امری مقدس می دانند و اخلاقیات در میان آنان از نفوذ زیادی برخوردار است، قطعاً بروز فساد از جانب هر کسی گناهی نابخشودنی تلقی می شود و همه مردم اعم از شهروندان معمولی و یا همکاران کارمند مفسد، عضو فعال سیستم نظارتی شده و هزینه انجام فساد را برای مفسدان

بالتر می برند وی در ادامه می افزاید: زمینه اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نیز از جمله مهم ترین عوامل کاهش یا افزایش فساد اداری است. چنانچه نظام باورهای یک جامعه به گونه ای نهادینه شود که مادیت اصل قرار گیرد و تمامی هدف حیات، کسب ثروت و قدرت - هرچه بیشتر- باشد، وفاداری به شدت مذموم و قبیح شمرده، ثروت و قدرت از هر طریقی که به دست آمده باشد، موهبتی با ارزش تلقی شود و در جامعه ای که انسان در جهان بینی آن فاقد ارزش باشد، بالتبع ارزش های انسانی نیز منزلت خود را از دست خواهند داد و اعمال مفسدانه به صورت هنجار و ارزش اجتماعی تجلی خواهند کرد(مودودی، ۱۳۸۱).

۲-۶. عمومی کردن فرهنگ مبارزه با فساد: دولت و مسؤولان ارشد کشور باید توجه کنند به تنهایی قادر به انجام هیچ یک از امور مردم نیستند. یکی از مهم ترین عرصه ها - که عدم توجه به آن به حق موجب از بین رفتن حقوق مردم می شود- سازمان های اداری کشور است. مردم باید از این موضوع اطلاع کافی داشته باشند و آموزش ببینند. علاوه بر آن، به دلیل قدرتمند بودن اکثر افراد فاسد، مردم باید در این رابطه از پشتیبانی کافی برخوردار شوند. این کار در بسیاری از کشورهای موفق از جمله در کره جنوبی در مبارزه با فساد انجام شده است. به موجب قانون در این کشور، مواردی برای پشتیبانی مطلع آن از فساد وجود دارد. بر این اساس، هویت خیر دهنده کاملاً محفوظ می ماند و امنیت شخصی وی تضمین می شود.

۳-۶. تقویت سطح آگاهی عمومی: برای آنکه شهروندان کشوری بتوانند با فساد مقابله کنند و خود از ارتکاب آن دوری ورزند، آموزش و آگاه سازی آنان ضروری و لازم دیده می شود. زیرا برای تحقق مشارکت مؤثر مردم و نیروهای اجتماعی، تجهیز نمودن عمومی به برنامه های سیاست جنایی و آموزش افراد جامعه جهت همکاری در امر پیشگیری تأثیر گذار است و از سوی دیگر آگاهی و آموزش عمومی سبب اعتماد یافتن عمومی به نظام کیفری شان می گردد و زمینه را به برنامه های مشارکت جویانه تقویت می نماید. علی الاصول در مقابله با پدیده جنایی، در کنارهم قرار دادن پاسخ های دولتی و پاسخ های جامعه مدنی امر بدیع و تازه است که در حوزه سیاست جنایی مشارکتی مورد بررسی قرار می گیرد.

۴-۶. تقویت نگرش و باورهای دینی کارکنان و مدیران: سلامت سازمانی از دیدگاه دین مبین اسلام به معنای رعایت موازین ارزشی و اخلاقی اسلام در روابط بین کارکنان، مدیران و ارباب رجوع است و حال متأسفانه شاهدیم که عدم رعایت کامل این موازین ارزشی و اخلاقی منتهی به ناکارآمدی نظام اداری کشور شده است، مسلماً هر چه ارتباطات معنوی بشریت

کاسته شود به همان میزان درصد خطاها و اشتباهات بیشتر خواهد شد به عبارتی ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند سبحان مهم ترین ضمانت اجرایی است که می تواند مانع سقوط بشریت گردد فلذا باید به تأسی از اسلام ناب محمدی و بدون استفاده ابزاری از آن، روحیات خدا محوری، مسؤولیت پذیری، صداقت، امانت داری و... را در کارکنان و مدیران دولتی تقویت نمود که قدر متیقن برای رسیدن به این مهم روحانیت به ویژه نمایندگان محترم ولی فقیه با همکاری موثر مدیران نقشی موثر و بی بدیل خواهند داشت.

۵-۶. قانون گرایي کارکنان و مدیران: مهم ترین اصل در اداره امور، پایبندی همگان به قانون به عنوان منشور اخلاقی است، رعایت قانون از جانب همگان در هر مرتبه ای که باشد و نبودن تبعیض و عمل به مساوات در اجرای قانون برترین چیزی است که سلامت اداری را حفظ می کند و پشتوانه مردمی آن ها را تضمین می نماید لذا باید عمل به قانون و قانونگرایی سرلوحه امور همگان گردد و مدیران اجازه ندهند تحت هیچ شرایطی قانون فدای مسائل سیاسی، احساسی، مصلحتی و... شود.

۶-۶. نهادینه سازی فرهنگ نقد و نقادی: یکی از آفت هایی که متأسفانه سالهاست گریبان گیر سازمانها و ادارات شده است مداحی و تملق گویی از مدیران و مافوق است، معمولاً افراد فرصت طلب و منفعت خواه برای حفاظت از منافع خود اقدام به مداحی مدیران می نمایند و بعضاً مدیران نیز تحت تأثیر این اقدام مذموم و غیر اخلاقی اصل عدالت در برخورد با کارکنان را مخدوش می نمایند و متأسفانه شاهدیم که تبعات سوئی را در نظام اداری ایجاد می نماید در صورتی که ایجاد فضای باز و ترویج فرهنگ نقد از مدیران سبب می شود کاستی ها و مفاصد احتمالی نظام اداری آشکار و زمینه اصلاح آن ها فراهم گردد، چنان که در این خصوص حضرت علی (ع) می فرماید: کسانی را که در حق گویی صراحت بیشتری دارند و به جای مدح و تعریف از کارها و برنامه هایتان انتقاد سازنده دارند به خود نزدیک نمائید.

نتیجه گیری

با بررسی این مقاله می توان نتیجه گرفت که در واقع فساد یک فرایند چند جهته است. از یک طرف، ارائه دهنده سود می برد، از طرف دیگر گیرنده، و هر دو از عملی که پنهان است آگاه هستند. حلقه سوم این زنجیره همه افراد دیگر قربانیان هستند، هرچند هرگونه فساد هنوز جرم محسوب نمی شود، اما غیراخلاقی و برای توسعه اقتصادی و سیاسی یک جامعه مضر است یک

تأثیر عوامل گسترش فساد اداری بر شاخص های اقتصادی...

مدل اساسی از سه عامل (خطر، منفعت و آگاهی) که بر اساس ادغام چندین عامل شناخته شده و اثبات شده علمی ایجاد شده است که باعث یا کاهش فساد یا تأثیر بر سطح آن در هر کشور می شود. با توجه به این میزان فساد، پنج گروه را شناسایی کرده، کشورها را طبقه بندی کرده و ویژگی های مشترک آن ها به شرح زیر است:

- فساد با سطح تولید ناخالص داخلی مرتبط است (هرچه تولید ناخالص داخلی بالاتر باشد، میزان فساد کمتر است).

- فساد مربوط به سطح تحصیلات است (هرچه متوسط سطح تحصیلات بالاتر باشد، سطح فساد کمتر است).

- فساد به شدت با موقعیت جغرافیایی ارتباط دارد. بالاترین سطح در آسیا (عمدتاً در آسیای مرکزی)، آفریقا (آفریقای شمالی و مرکزی) و آمریکای جنوبی (مطابق نقشه بین المللی شفافیت) است.

- فساد به شدت با مذهب غالب کشور مرتبط است.

- فساد با آزادی در کشور (آزادی شخصی، آزادی بیان آزادی اقتصادی و غیره)، با توجه به حاکمیت قانون در یک کشور و ناکارآمدی مدیریت دولتی، که اغلب به صورت محلی محدود یا ذاتاً فاسد بوده، در ارتباط است.

- هرچه رتبه کشور پایین تر باشد، جامعه مردسالار مسلط تر است.

پاسخ به این سوال که چگونه با فساد برخورد شود، مهم است. برخی از کشورها در مقابله با آن در مدت زمان کوتاهی به موفقیت های بزرگی دست یافته اند (سنگاپور، استونی و گرجستان) و برخی مدتهاست که در حال مبارزه هستند (معروف ترین نمونه آن ایتالیا است). شرط اول در هر صورت تضمین آزادی (آزادی شخصی، آزادی اقتصادی، آزادی بیان آزادی مطبوعات و ...) و دموکراسی و سپس آموزش و آگاهی مردم است. استفاده از شیوه های خوب کشورهایی که مشابه یکدیگر هستند (دین، عادات، سنت و اخلاق) و دارای سابقه مشترک ضروری است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

بهشتی، سید صمد (۱۳۹۹)، «بررسی وضعیت ادراک از فساد و عوامل مرتبط با آن مطالعه شهروندان شهر سرپل ذهاب»، *جامعه شناسی کاربردی*، دوره ۳۱، شماره ۸۰، صص ۷۲-۴۵.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰

تانزی، ویتو(۱۳۷۸)، «مسأله‌ی فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه‌ی بهمن آقایی، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۵۰-۱۴۹، صص ۱۸۳-۱۸۲.
خضری، محمد(۱۳۸۴)، «تحلیل نهادی فساد اداری»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۹، پاییز، صص ۵۳۰-۵۱۳.

دادگر، حسن و معصومی‌نیا، غلامعلی(۱۳۸۶)، *فساد مالی*، چاپ دوم، تهران: کانون اندیشه جوان.

دانایی فرد، حسن(۱۳۸۷)، *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*، تهران: سمت.

کریمی، علی و همکاران(۱۳۹۸)، «مطالعه جامعه شناختی ادراک از فساد اداری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در جوامع با فرهنگ خاص گرایی (مورد مطالعه شهر خرم آباد)»، *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی*، دوره دهم، شماره اول، صص ۲۶۲-۲۴۱.

مردانی، بیوک(۱۳۷۵)، *سبب‌شناسی تخلفات مالی در دستگاه‌های دولتی و روش‌های جلوگیری از آن*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی*، کرمانشاه: مرکز آموزش مدیریت دولتی واحد کرمانشاه.

مودودی، محمدرضا(۱۳۷۹)، «شبکه هزار فامیلی؛ مدیریت تار عنکبوتی» *روزنامه همبستگی*، ۲۴ آبان ماه.

ب) منابع انگلیسی

- Allen F, Qian J, Shen L (2015), **Corruption and Competition**, 2015. Available from: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2685219 [Accessed: Jan 9, 2017]
- Ang, Y. Y. (2019), "Unbundling Corruption: Revisiting Six Questions on Corruption", **Global Perspectives**, 1(1):pp 1–19.
- Buehn A, Schneider F.(2019), "Corruption and the Shadow Economy: Like Oil and Vinegar, Like Water and Fire?" **International Tax and Public Finance**, 19(1): pp172-194
- Elbahnasawy, N.G. (2013), "E-government, Internet Adoption, and Corruption: an Empirical Investigation, **World Development**, 57: pp, 114–126.
- Jens Chr. Andvig & Odd-Helge Fjeldstad (2001), "With Amundsen & Sissener & Soreide; Corruption", **A Review of Contemporary Research**, Chr. Michelsen Institute.

- Katie(2019), Corruption Perception Index ,Transparency International , available on: www.transparency.org.
- Nikolous, A.I. , (2020), **Effective Measures to Prevent and Combat Corruption and to Encourage Cooperation between the Public and Private Sectors.** Retrieved 15/4/2020 from:https://www.unafei.or.jp/publications/pdf/RS_No92/No92_23PA_Ihalua.pdf.
- North, C.M., Orman, W.H. & Gwin, C.R. (2013), "Religion, Corruption, and the Rule of law", **Journal of Money, Credit and Banking**, 45(5): pp 757–779.
- Paldam, M. (2001), "Corruption and Religion Adding to the Economic Model", **Kyklos** 54(2-3):pp 383–413.
- Sumah, S. (2018), **Corruption, Causes and Consequences**, Intech Open.<http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.72953>.